

بابی هم چنان مفتوح

هرمز شیرین بیگ مهاجر - گرگان

□ در شماره‌ی ۳۴ نشریه‌ی وزین **حافظ** (صفحه‌ی ۷۹) آقای محمد گنجوری (از استهبان فارس) نقد این‌جانب را از مقاله‌ی تحقیقی و ارزشمند زنده‌یاد دکتر جواد برومند سعید (در **ماهنامه‌ی حافظ**، ۳۳) مورد ایراد و انتقاد قرار داده‌اند. البته جناب گنجوری جانب انصاف را نگاه داشته و فقط ایراد این‌جانب به تصحیح قیاسی مرحوم دکتر خانلری را که برخلاف ضبط همه‌ی نسخه‌ها «ننشیند» را در این بیت حافظ به «نشیند» تبدیل نموده است، نوعی «کم‌لطفی» به خانلری تلقی کرده‌اند. جالب است که این خواننده عزیز به‌نوبه خود نقل قول دکتر جعفر شعار را از استاد پرتوعلوی شاهد مثال آورده است که آنان نیز نظر خانلری را در این زمینه مردود دانسته‌اند. به‌هر حال در این روزگار وانفسا که حق‌گویی و حق‌نویسی گناه کبیره محسوب شده و مجازات لغو امتیاز و ممنوع‌القلم شدن در پی دارد، این قبیل عکس‌العمل‌های ملایم و از سر سعه‌ی صدر جای شکر دارد.

باری، بنا نداشتم به این تعریض هم‌وطن عزیز پاریسی پاسخی بدهم. زیرا به اصل «آزادی بیان» ایمان دارم و آرای موافق و مخالف را محترم می‌شمارم و انتقاد را مایه‌ی اصلاح و بالندگی می‌دانم. اما جمله‌ی معروف ارسطو به یاد آمد که گفت: «استادم افلاطون را دوست دارم. اما حقیقت را بیش‌تر از او دوست دارم». آری در کار ادب مجامله و تعارف نداریم. تعظیم و اکرام بزرگان علم، ادب و هنر نزد هر انسان فرهیخته و بافرهنگی یک وظیفه است ولی پاسداری از گنجینه و میراث ارزشمند معنوی و فرهنگی یک ملت قطعاً وظیفه‌ی اصلی‌تر و مهم‌تری می‌باشد و جناب گنجوری نیز به مصداق نام بامسمای خود مسوولیت مضاعفی در نگاهبانی از این «گنج شایگان» برعهده دارند، به خصوص که هم‌ولایتی حافظ هم هستند. در همین رابطه، زمانی شادروانان دکتر قاسم غنی و علامه محمد قزوینی پیشگامان روش علمی تصحیح گفته بودند: چنان‌چه هر کس مجاز باشد به سلیقه‌ی خود در اجزا و ساختار شعر حافظ دست ببرد و آن‌ها را تغییر دهد. دیر یا زود چیزی از **دیوان** حافظ برجای نخواهد ماند. و اما در پاسخ به این مطلب که نوشته‌اند: «نویسنده‌ی مقاله - جناب مهاجر - کم‌لطفی کرده و در نوشته‌ی خود بدون این‌که گرهی از بیت فوق درمورد کلمه «ننشیند» یا «نشیند» باز نمایند...». به ایشان حق می‌دهم، چرا که متأسفانه نیمی از مقاله‌ی این‌جانب در آن چاپ توسط قیچی سانسور ساقط شده است و به‌همین خاطر ناقص و نارسا به‌نظر می‌رسد. شاید هم کاغذ کم آمده باشد: «رقعه دانم زدن به جامه‌ی خویش / چه کنم نخ کم است و سوزن نیست». منتها از آن‌جا که ریش و قیچی در دست سردبیری صاحب‌نظر و فرزانه است، جای گله و شکایتی نیست که بزرگان گفته‌اند: «پیر ما هر چه کند، عین ولایت باشد». ■

* دو رثایه برای استاد امین

بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۸۶ مقارن هفتمین سال درگذشت زنده‌یاد استاد سیدعلینقی امین متخلص به «ابن‌امین» است. بسیاری از شاعران نامدار معاصر از جمله استاد ادیب برومند در رثای آن بزرگ اشعاری ساخته‌اند که در یادنامه‌ی ایشان به همت آقای احمد نیکوهمت چاپ شده است. اینک دو رثایه‌ی چاپ نشده، بی‌دخل و تصرفی به مناسبت چاپ می‌شود:

۱- به مناسبت درگذشت شادروان حضرت آیت‌الله علامه سید علینقی امین پدر بزرگوار دانشمند ارجمند استاد پروفیسور سیدحسین امین کثرالله امثالهم

بزرگ اندیشمند معاصر

امین آن آیت لطف الهی	که نام وی رسید از مه به ماهی
فقیه اهل بیت و آل طه	مرامش نیکی و اسلام‌خواهی
بزرگ اندیشمند قرن حاضر	که آثارش دهد این‌را گواهی
چو ترک این جهان بنمود ناگاه	به فردوس برین گردید راهی
ز فقدان غمین گشتند مردم	بشد تن پوششان رخت سیاهی
«جلال» بینو در این مصیبت	ندارد او اسف جز اشک و آهی

۲- به مناسبت عروج ملکوتی عالم ربانی حضرت آیت‌الله علامه سید علینقی امین رحمة‌الله علیه
سید علینقی امین، آیت‌خدا
در حیرتم که روح چسان شد از او جدا
سال هزار و سیصد و هفتاد و نه دروغ
در بیست و هفت ثور به گوش آمدش ندا
کای نسل پاک‌فخر بشر سوی ما بیا
لبیک حق بگفت، چو بشنید آن صدا
روحش به شاخسار چنان پر کشید و رفت
در عرش خوش نشست به مهمانی خدا
صدآفرین به زاده‌ی او پروفیسور امین
بر طالبان علم کنون گشته مقتدا
تهران- سیدجلال مهدیانی سرکائی (جلال)

تسلیت

درگذشت زنده‌یاد **مهندس عبدالعلی دهستانی** را به خاندان‌های شریف دهستانی، صاحب‌جم، جواهری و همه‌ی وابستگان و دوستان آن مرحوم تسلیت می‌گوییم.

پروفیسور سیدحسین امین- توفیقی - دکتر محمدرضا جلالی نائینی - حسن رهبر - یحیی صادق‌وزیری - فضل‌الله کاسمی - محمد کشاورزبان - مهندس کریم معتمدی - احمد ناظمی - مسعود هدایت